

ناصر مکارم شیرازی

چهره نقبه در روایات اسلامی
 همانند چهره آن در قرآن یک چهره سازنده
 و انقلابی است هر چند آنها که ما فهمیم
 اسلامی را مسح کرده اند، بدون همراهی به
 متن قرآن (بزرگترین سند خدشه ناپذیر
 اسلام) و متون احادیث معتبر روی افکار
 کوتاه خود آنرا در یک چهره تحدیری و باز
 دارنده منعکس ساخته اند.

برای درک این حقیقت یک بررسی
 کوتاه و دقیق روی احادیث ظهیریه به عمل
 می آوریم تا بار دیگر این حقیقت سی برده
 برای همه کس روشن شود، که نقبه نوعی از
 ساززه حساب شده است، نه سکوت و سازش
 و تسلیم.



این احادیث را می توان چند گروه
 تقسیم کرد
 ۱- احادیثی که می گوید تقصدیک
 سروی دفاعی و حفاظتی است.

در حدیثی از امیرالمؤمنان علی (ع)
 می خوانیم: **الْتَعَبَةُ مِنْ أَضْلَالِ الْمُؤْمِنِ
 يُمَوِّنُ بِهَا نَفْسَهُ وَ إِخْوَانَهُ مِنَ الْفَاجِرِينَ**
 نقبه از بهرین افعال افراد با
 ایمان است که به کمک آن هم خود و هم
 برادران خویش را از جنگال فاجران رهائی

پژوهشگاه علوم انسانی
 در روایات اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی
 پرتال جامع علوم انسانی

به نقبه به "سپر" و گاهی به سایر وسائل
 دفاعی سربازان در برابر دشمنان تشبیه شده و
 این خود می رساند که نقبه (به مفهوم واقعی)
 کار مجاهدان است نه گوشه گیران فاقد تعهد
 و مسئولیت و نه عاقبت طلبان ترسو

می بخشد. یعنی سروه‌ها را برای سارزه اصولی دخصه می کند.^۱

در روایت دیگری از امام باقر (ع) چنین نقل شده که فرمود: **أَيُّ شَيْءٍ أَلْسِنُ النَّاسِ مِنَ النَّفْسِ أَيْ النَّفْسُ أَيْ النَّفْسُ حَتَّى الْمُؤْمِنِ** "چه چیز سبب از تنه مساند که مومن دید کافی و روش منی می دهد؟ تنه سیر انسان با ایمان است"^۲

و نیز از امام صادق (ع) در این زمینه سخن کوتاه و روشنی نقل شده که فرمود: **أَلْتَفَتَةُ نَرَسِ الْمُؤْمِنِ وَالنَّفْسُ حِزْرُ الْمُؤْمِنِ** "تنه سیر فرد با ایمان است، تنه و سارزه است"^۳

"نرس" (بروزن نرس) و "حخته" (بروزن حخته) و "حزر" (بروزن حلف) که در این احادیث درباره تنه سیر گفته تقریباً مفهوم واحدی دارد. و به معنی سیر و یا سارزه‌نالی است. که سیر در پناه آن در میدان سیرد. خود را حفظ می کند. سایر این در مفهوم تنه یک مفهوم دفاعی در مقابل دشمن افتاده است.

و به تعبیر دیگر در این کلمه کوتاه و برعکس چهره سیراز هوشیار و فهمیده ای را نشان می‌کیم که در عین شجاعت و شجاعت از به هدر دادن نیروهایش سخت مضایقه دارد. او می‌کوشد از این راه نیروهای برارزش خویش را برای ما زهای می‌گیرند و وسعت نگاهداری کند اصولاً پوششیدن "زرد" و گرفتن "سیر" به دست، کنار

سرماران محاهد است، وگرنه گوشه گیران فاقد مسئولیت و فرار کنندگان از زیر بار تعهدها و مسافه‌نگاران نرسو، هرگز نه زره برس می‌کند و نه سیر به دست می‌گیرند چون جهادی ندارند که نیاز به پوششی حفاظتی داشته باشد.



۲- تنه سنت پیامبران مجاهد است.

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: **عَلَيْكَ يَا لَيْثِيَّةُ يَا هَيْهَاتُ يَا اِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ** "برو است که تنه را فراموش نکسی زیرا آن روش ابراهیم خلیل (ع) است."^۴

هرکس هر اندازه از تاریخ می‌خس باشد، این مطلب حتماً به گوشش خورد که ابراهیم (ع) کسی بود که یک تنه با نرسود حبار سارزه کرد. نه تنها با او بلگسه با متضمان لاجوح که در برابر انواع حیوضها سجد می‌کردند نیز درگیر شد و هفت را با مطوق گوینده و شجاعت بی نظیر خود سگ زانو در آورد. آیا هیچکس می‌تواند نسبت سازنگاری و مطاحت منی‌های تحدیری را به ابراهیم (ع) بدهد؟ ساربران از اینکجه می‌بینم تنه به عنوان سنت ابراهیم معرفی شده همدچیر را می‌خوانم در توضیح مفهوم آن می‌فهمم.



۳- تنه یا پست فرماندهی

حالت اینکه در روایتی از اسام حسن عسکری (ع) می‌خوانیم: **مَثَلُ مُؤْمِنٍ لَا نَجَّةَ لَهُ كَمَثَلِ جَيْدٍ لِأَرْسٍ لَهُ** "مثل انسان با ایمانی که تنه را کنار بگذارد، همانند بدنی است که سر نداشته باشد."^۵

عین این تعبیر در باره "صبر و استقامت و پایداری" نیز آمده است که "ایمان بدون استقامت و صبر همچون بدن بی‌مست است"

از شجاعت این دو تعبیر با هم می‌فهمیم که تنه همان فلسفه صبر و استقامت و پایداری در برابر دشمن را دارد. "سر" عدالت‌ترین عضو پیکر و برکار ترین قسمتهای بدن انسان و حساسترین بخش وجود هرکس است. و به تعبیر دیگر سر، نگاهدارنده تمام دستگاههای بدن و عاقلان فعالیتها می‌باشد. و به تعبیر دیگر سر، نگاهدارنده تمام است. و تنه و دوام آنها در برابر حملات دشمن است.



۴- تنه و حفظ حقوق مسلمانان

نکته دیگری که در احادیث متعدد بدان اشاره شده این است که سألگ تنه و

ادای حق برادران مسلمان به عنوان دو فریضه بزرگ در کنار هم قرار داده شده اند. امام عسکری (ع) می‌فرماید:

وَأَعْظَمُهَا فَرَضَانِ فَضَاءٌ حَقُّوهُوَ الْإِخْوَانُ فِي اللَّهِ وَ اسْتِعْمَالُ التَّقِيَّةِ مِنْ أَعْدَائِهِ "الله از همه آن فرائض مهمتر دو چیز است حقوق برادران دینی را ادا کردن و به کار بردن تنه در برابر دشمن خدا"^۶

از این تعبیر برمی‌آید که بصنوع ایبه و بسود نزدیک میان این دو موضوع وجود دارد. اگر درست دقت کنیم خواهیم دید که سألگ تنه همانند اداه حقوق دیگران یک سألگ اجتماعی است. زیرا در بیرون آن سروه‌های پراکنده حفظ و ذخیره و به موقع بسج می‌گردد و حقوق جامع را حفظ می‌کند.



- ۱- وسائل الشیعه ابواب امر معروف باب ۲۸ حدیث ۳
- ۲- همان مدرک باب ۲۴ حدیث ۲۴
- ۳- همان مدرک باب ۲۴ حدیث ۶
- ۴- همان مدرک باب ۲۲ حدیث ۱۶
- ۵- همان مدرک باب ۲۸ حدیث ۲
- ۶- همان مدرک باب ۲۸ حدیث ۱